

گزارش «سلامت» از نقد و تحلیل یک فیلم سلامت محور

روانکاوی پچ آدامز در بیمارستان شریعتی!



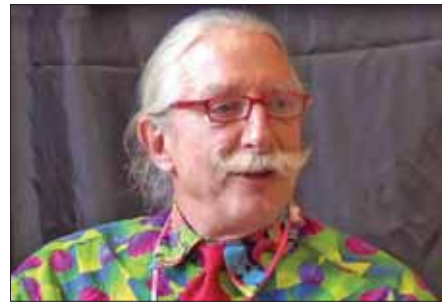
دیگر هم تفسیر کرده‌اند، اینکه فیلم بیان موفقی است از پزشکی روانکارانه، پزشکی که دانش گفت‌وگو و روایت است. روزه روزان پزشکی روانکارانه در جامعه ما کم رنگ تر می شود و دنیا تلاش می کند که کم رنگ نشود.

در پزشکی روانکارانه منظور ما می شود مشکل که مادر یا پسران داریم، این است که طبیعتی قوی می خواهد باطنی برخورد کند. طنزش بیشتر کتابه آمیز و نازم است. گاهی وقتها به بیمار متلک می اندازیم و وارد فضای حریم شکنانه می شویم، در حالی که طنز مجترمانه که همراه عشق و خنده است، منظور است.»

مقتدر باشیم یا همدل؟

مرز مواجهه بیمار و پزشک کجاست؟ پزشک تا کجا حق دارد به بیمار نزدیک شود؟ یا دوست باشد یا نه؟ این بحث دیگری بود که دکتر نمازی مطرح کرد:

درد همدلی چند ساز می نوازیم؟ یک ساز این است که به خواسته بیمار احترام بگذاری، خود بیمار برای خودش تصمیم بگیرد و پزشک ملاحظه نکند یک ساز هم می گوید باید با اقتدار عمل کنی. یک ساز هم می گوید ارتباط پزشک و بیمار نباشد است. از نظر او ۳ مرحله داریم: مرحله اول ورود به چه کسی پزشک است و چه کسی بیمار می باشد. مرحله دوم، ملاحظه می کنی که با این مرحله همدلی بره می سستی می روند که به آنها لذت بدهد. در مرحله دوم، هر چه ای که به او درد آن لرموزها هر چیزی تا ما لذت بدهد. در بدست نمی آوریم، یعنی تمرزهای داریم، دایره ما ذراتمان از دایره مقدم و زمان کوچکتر است. گاهی از این مرحله هم یک قدم بالاتر می رویم و به مرحله عشق می رسیم. تجمیع این مرحله برای کرکوزر، دماستان حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) است. جالب است که می گوید طنز در این مرحله نشسته و یک جمله جالب دیگر هم دارد که می گوید: طنز اصل بیرون طنز اصلا ممکن نیست. عصافورت دادگی که در تعاریف بعد از حرفه ای می بینیم، کاملآ دشمن حضور طنز است. در پزشکی هم همین طور است. در پزشکی طنز آمیخته با رابطه پزشک و بیمار است. همه فکر می کنند پزشکی علم است و سر این موضوع خیلی بحث هست. در فلسفه پزشکی می گویند طبیعت ۳ چیز را باید از هم تفکیک کند: اولیست شناسایی است که یک کلمه است، دومی طب و سومین طبابت. در فلسفه پزشکی خیلی ها معتقدند پزشکی علم نیست و فراتر از یک علم است. چه چیزی است که پزشکی را از علم بالاتر می برد؟ مواجهه پزشک و بیمار است. یعنی معنایه و شرح حال، به همین دلیل این فیلم را یک جور



یک از پیش تعیین شدگی به طبیب بعدا... و به هر حال گریزی از حرفه ای گری نیست ولی نیاز است که مفهوم حرفه ای گری بازبینی شود.»

طنز یا متلک انداختن فرق می کند

پچ آدامز به دلگرمی معتقد است، اینکه بیمار پیش از هر چیزی به خنده و شادان بودن نیاز دارد و لازمه این کار طنز است. دکتر نمازی درباره طنز هم صحبت کرد و اینکه می شود طنز را برادرسیمت پزشکی ایران کرد، فرهنگ جامعه ایرانی این اجازه را می دهد؟ «طنز را چند دیدگاه می شود مطرح کرد: یکی طنز طعنه آمیز و بیشتر تلخ است. یک طنز دیگر، طنز شیرین است. شما وقتی می گویند دکتر مریمی، مفلک در زبان فارسی معنای متبل و ابتال آمیز می دهد ولی چقدر واقعی در یکی از مقاله های که نوشته می گویند در بیمارستان هامور از کزدرمانی «الطال مشق» آره انداختم. دلفک در فارسی معنای متبل می دهد و از انگلیسی خیلی معنی متبل ندارد. معنای از دلفک مراد است که مواجهه با آسان می کند و سدهای چکار می کنی. بیمار گفت می خواهم ماهی بگیرم ولی نمی شود ماهی هامی. باید بیمارها زبان داشت و پزشک به او می گوید بگذار من به پیام می برده. فکر می کنید بیمار چه می گوید؟ تصورتان این است که بیمار می گوید

در هفته ای که گذشت، به همت معاونت آموزشی بیمارستان شریعتی، فیلم «پچ آدامز» و پریمیرویدای برسی قرار گرفت. برای هر کسی در زندگی برای یک بار هم که شده پیش آمده که پایش به بیمارستان یا حداقل مطب یکی از پزشکان باز شود. غیر از دردهایی که انسان کشیده، یکی از مواردی که هیچ وقت از خاطرش پاک نمی شود، رفتاری است که پزشک یا پرستار با او داشته اند؛ اگر خوش شانس بوده باشی، پزشک لیفتی به او زده یا اینکه فرصت داده با آرایش دردهایش بگوید. اما تعداد آنهاهی که بدشانس بوده اند خیلی بیشتر است. خیلی ها هنوز آمپولی را که در دوران کودکی با فریاد به آنها تزریق شده، به یاد دارند. کس می همنند که سر کوفته های پزشکان را که چرا توضیح واضحی از درشان نمی دهند، فراموش نمی کنند. در فایلم حتما افراد مسنی را داریم که به خاطر بد اخلاقی های پزشک معالیشان مجبور شده اند. یا قید درمان را داشته اند یا اینکه راهی مطب پزشک دیگری شونده. همه کسانی که این تجربه تلخ را داشته اند شاید بد نباشد برای یک بار هم شده فیلم «پچ آدامز» را ببینند. داستان واقعی را روایت می کند، داستان مردی است که به خاطر شکست عشقی خود کشی می کند و در کلینیک روانی بستری می شود. پچ در این کلینیک با کلیدواژه های دوستی و عشق به هم پیازان دیگر نزدیک می شود و با این تجربه تمسک می گیرد پزشک شود و با همین عشق درد بیمارآن را کم کند.

پچ آدامز با دلگرمی و خنده خودش را در دل بیمارآن جامی کند و این سنت شکنی، در نیمه دوم قرن بیستم به مذاق پزشکان و استادان دانشگاه خوش نمی آید ولی پان پان یک با پیروزی او همراه می شود. پچ آدامز در واقعیت به رانش ادامه می دهد و موسسه درمانی خودش را راه می اندازد، موسسه ای که در آن بیمارآن شاه هستند و می نهندند. رابطه پزشک و بیمار یکی از موضوعات مهم در طبابت و درمان است که به نظر می رسد در ایران کمتر به آن توجه شده و شاید به همین علت بود که معاونت آموزشی بیمارستان شریعتی، برنامه ای برای ایجاد رابطه بهتر پزشک و بیمار داشت.

در این برنامه آموزشی که برای دانشجویان و علاقه مندان برگزار شد، فیلم پچ آدامز به نمایش درآمد و دکتر حمیدرضا نمازی، متخصص اخلاقی پزشکی، این فیلم را نقد کرد. نقد این فیلم شبیه کلاس درسی بود تا دانشجویان دنبال پهنترین راه برای ارتباط گرفتن با بیمار باشند.